

می‌شود. من می‌دانم، از علم، علم، علم و او در مملکت ما نیست. اهل اروپا همه چیز را کامل کرده‌اند. مثلاً طبابت با اسبابی را که عکس درون را می‌بیند، می‌گذارند به شکم ضعیفه بچه توی دل او را می‌بینند. اینها همه از علم است و الله نه کرامت، نه جادو، نه معجزه. از تحصیل علم به این جا رسیده‌اند (یغمایی، ۱۳۵۷:۱۰۱)».

ثقه الاسلام تبریزی (نخبه فرهنگی عصر مشروطه)

علم علت ترقی غرب

«این دو قضیه از جملات بدیهیات عقول است و هیچ عاقلی منکر این دو جمله نتواند شد و گذشته از بداهت تصویری آن حس و وجدان شاهد و برهان است که ترقیات محیرالعقول ملل خارج از نتایج علم است و چیره‌دستی آنان بر همدیگر و تسلط و کثرت نفوذشان از نتایج ثروت ما اهالی ایران که به‌طور کلی مبتلای جهل و فقر بوده‌ایم و همیشه از صدمات استبداد دمی نیاسوده، امنیت که از معدّات تحصیل علم است نداشتیم و آنچه تحصیل کرده‌ایم می‌توان گفت از غلطات دهر و از غفلات روزگار بوده. حالیا که آفتاب مشروطیت طلوع کرد و کوکب ذوذنب استبداد افول نمود، باید همگی ملت دست به هم داده در تحصیل آن دو قضیه متحدالفکر بوده همت نمایند و در شاهراه سعادت قدم زنند (فتحی، ۱۳۵۵:۴۰۶ - ۴۰۸)».

عماد العلماء خلخالی (نخبه فرهنگی عصر مشروطه)

علم و صنعت عامل ترقی غرب

ثروت در نزد حکماء و علماء ملل اروپا عبارت از علم و معارف و صنایع است که به واسطه علم گنج‌های مخزونه مکنونه در شکم زمین ظاهر می‌شود و جداول طلا و نقره بر سطح زمین جاری می‌گردد. به علم تجزیه مرکبات و ترکیب بساط و ترتیب منسوجات و خواص معدنیات ثروتی بی‌نهایت حاصل و پیدا و هویدا شود و از برای علم آفتی و غرقی و خرقی و سرقتی و فنایی متصور نیست (زرگری نژاد، ۱۳۷۴:۳۱۵).

فاضل خراسانی (نخبه فرهنگی عصر مشروطه)

علم و سواد خارجی‌ها

«هر کس به بلاد خارج رفته میدانند که اغلب اهالی به‌طوری احاطه بر عملیات داخله و خارجه دارند که از هر یک آن‌ها اگر سؤال از جغرافیای طبیعی و دولتی و تاریخی مملکت غیر شود، فوراً جواب شافی و کافی می‌دهند که انسان تعجب می‌کند و تمام آلسنه مشهوره را می‌دانند ولی زبان خود را زبان علمی قرار می‌دهند. البته زبان دانستن خارجه جزو فضایل است ولی نه آنکه زبان خود را به اندازه‌ای ترک کنند که کتب فارسیه را نتوانند، بخوانند (زرگری نژاد، ۱۳۷۴:۶۳۶).»

یحیی دولت‌آبادی (نخبه فرهنگی عصر مشروطه)

علم و صنعت عامل دوری غرب از معنویت

«جنگ عمومی پرده را از برابر روحيات اروپا برچید که جز با این دست قوی بر چیدن آن امکان نداشت و بالاخره محقق گشت که ترقیات علمی و صنعتی اروپا همان اندازه که آن مردم را به مادیات نزدیک و علاقه‌مند کرده، از عواطف روحانی و مراحم انسانی دور نموده است. انعکاس این حقیقت در افکار اقوامی که تمدن اروپا را سرمشق تعالی خود می‌دانستند، بدیهی است چه اثر بدی می‌نماید. پس اگر بگوییم ایران و خصوصاً تهران جوان از بی‌پرده شدن احوال روحی و مدنی اروپا خود را در پرتاب گمراهی انداخته باور کردنی است. و در اثر این پیش آمد به ضمیمه فقر و فاقه عمومی که رویداده یک بی‌امانتی و بی‌عاطفتی دیده می‌شود که از پیش مانندی نداشته است (دولت‌آبادی، جلد چهارم، ۹۱: ۱۳۷۱-۹۰)».

نسیم شمال (نخبه فرهنگی عصر مشروطه)

اهمیت علم

«ما اگر علم و هنر می‌داشتیم
 از جوانان نظامی روز جنگ
 خط آهن می‌نمودیم اختراع
 موقع صلح جهان در کنفرانس
 علم اگر می‌شد چرا چندین گدا
 در میان رهگذر می‌داشتیم
 کوه را از جای بر می‌داشتیم
 صد هزاران شیر نر می‌داشتیم
 راه‌ها در بحر و بر می‌داشتیم
 احترامات دگر می‌داشتیم
 درس می‌خواندیم با سرعت اگر
 از چنین روزی خبر می‌داشتیم

از برای دفع و رفع احتیاج در خزانه سیم و زر می‌داشتیم
(اشرف‌الدین حسینی: ۵)».

سید حسن مدرس (نخبه فرهنگی عصر مشروطه)

برتری علوم غرب

«تصدیق می‌کنم که حکمای متأخرین و معلمین فرنگ در طبیعیات کلیتاً از ما جلو هستند ... مگر ما می‌گوییم کسی طبیعیات و ریاضیات را نخواند. این همان علوم است که سابق هم می‌خواندیم و درس می‌دادیم ولی حالا طبیعیات اروپایی‌ها کامل‌تر است (مدرسی: ۲۰۳)».

عیسی صدیق (نخبه فرهنگی عصر پهلوی)

روش تعلیم و تربیت امریکا

«توجه مدارس امریکا به تربیت اجتماعی و پرورش اخلاقی و طرّقی که برای نیل به آن اتخاذ کرده و کتاب‌هایی که در این موضوع تألیف کرده بودند، در من تأثیر فراوان کرد و اختلاف بین تعلیم و تربیت لاتین و انگلوساکسن را در آن زمان روشن ساخت و لزوم استفاده و اقتباس از روش تربیتی اخلاقی امریکا بر من آشکار شد ... امیدواری من به آینده زیادتر شد و حس خوشبینی‌ام تقویت گردید. زیرا به رأی‌العین دیدیم که عوامل توفیق در زندگانی بسته است به ایمان و استعداد و پشت کار و هر کسی در امریکا این سه شرط را دارا بوده و از تمام فرصت‌ها استفاده کرده، خدمات بزرگ انجام داده و مقام و منزلت عالی یافته و درباره

این‌گونه اشخاص صدها جلد کتاب تألیف و منتشر گردیده و همه کس را متوجه حقیقت مذکور نموده است (صدیق، ۱۳۴۵:۲۸)».

جدایی علم و دیانت در غرب عامل انحطاط انسان‌ها

« برای نیل به سعادت هیچ‌گاه توسعه داشتن به تنهایی کافی نیست و علم به تنهایی باعث ترقی توأم با نیک بختی و بهروزی نخواهد شد و الا چگونه می‌توان توجیه کرد که در عصر ما داناترین کشورهای اروپا و عالم‌ترین ملل مغرب زمین دو جنگ جهانی را به فاصله ربع قرن بر پا ساختند و دنیا را به خون کشیدند و ممالکی را ویران ساختند و ده‌ها میلیون نوع بشر را به خاک هلاکت افکندند؟ برای این‌که علوم و فنون موجب سعادت و رستگاری شود و دانش مایه رحمت شود نه باعث زحمت، باید با اخلاق و دیانت توأم باشد تا انسان در اثر موفقیت و کسب قدرت مغرور نشود و قدرتی را که به‌دست می‌آورد برای تبهکاری و ستمگری و تجاوز بکار نبرده، بلکه آن‌را در راه نیکویی و صلح و بهبودی زندگانی مردم بکار اندازد (صدیق، ۱۳۵۲:۲۹۲)».

قاسم غنی (نخبه فرهنگی عصر پهلوی)

تشکیلات علمی امریکا

«از خصوصیات امریکا تشکیلات علمی است. حکمت و فلسفه علمی امریکا سبب شده که هر چیز مطابق موازن علمی منظم شده است. البته در اروپا هم علم هست و علمای بزرگ هست ولی آن علم به اندازه امریکا به معرض عمل و فایده در نیامده است. همین امر مبتنی بر علم با داشتن فواید، مضاری هم دارد و آن افراط است. همین‌که یک مؤسسه امریکا یک روش را